وضعیت اسلام در فرانسه

حسن شاه بیگ

تاریخچه ورود:

تاریخ حضور مسلمانان در قاره اروپا، به سالهای بسیار دور، یعنی دوره های اولیه اسلام، بر می گردد. تجار و بازرگانان مسلمان و نمایندگان سیاسی، یکی از عوامل مهم گسترش اسلام در سراسر جهان و از جمله قاره اروپا بوده اند. مسلمانان در تمامی دوران حضور در اروپا، میراث بسیار با ارزش فرهنگی از خود به یادگار گذاشتند. حضور اولیه مسلمانان، در سیسیل ایتالیا و اسپانیا بود که با پیروزی نرمن ها در منطقه سیسیل در قرن یازدهم و بر اسپانیا در سال 1492 حضور مسلمانان بسیار کم رنگ شد. بعد از آن، در دوره مغولها با تسلط مغولها بر آسیای مرکزی، دین اسلام به عنوان دین اکثریت قریب به اتفاق آن جوامع شناخته شده، از آن طریق، بسیاری از مسلمانان در قالب سربازان دولتی، تجار و بازرگانان با نفوذ در قلمرو روسیه، مانند فنلاند، لهستان و اوکراین، دست به ترویج اسلام زدند. با شروع حکومت عثمانی، گسترش اسلام به سوی اروپای مرکزی و حوزه بالکان شروع شد. این مساله باعث گسترش جمعیت ترک زبان در کشورهایی چون بلغارستان، یوگسلاوی، رومانی و یونان شد. تعداد بی شماری از مردم این مناطق هم رفته رفته مسلمان شدند، تا حدی که کشور آلبانی در قلب اروپا، به کشوری با اکثریت مسلمان تبدیل شد.

بخش مهم جمعیت کنونی مسلمان در اروپا، معلول مهاجرت مسلمانان، مخصوصا بعد از جنگ جهانی دوم، می باشد. در دهه 60 قرن بیستم، به دلیل نیاز مبرم اروپا به نیروی کار، جمعیت مهاجران مسلمان در جست و جوی کار در حال شکل گیری بود. در این میان، جمعیت پناهنده سیاسی نیز قابل توجه می باشند.

حتی قبل از بروز جنگ جهانی اول، مهاجرت مسلمانان به فرانسه، به عنوان کارگران ارزان شمال آفریقا شروع شده بود. «در سال 1912، بیش از پنج هزار نفر کارگر الجزایری در کارخانه روغن کشی زیتون شهر مارسی و یا صنایع و معادن و شمال و جنوب کشور اشتغال داشتند. با بالا رفتن میزان مرگ و میر در جنگ، سیل مهاجرت ابعاد جدیدتری به خود گرفت. در خلال سالهای جنگ، بیش از دویست هزار الجزایری به این کشور وارد شدند که 23 آنها، برای همیشه در آنجا باقی ماندند.» (1)

در سالهای دهه 1960، علاوه بر الجزایریها و هارکیس ها(گروه همکاران و سربازان تشکیلات استعماری فرانسه در الجزایر هستند که بعد از پیروزی انقلاب الجزایر، آنها نیز گر چه اصالتا الجزایری بودند، ولی چاره ای جز ترک کشور نداشتند.)، مهاجرینی از کشورهای تونس و مراکش و بعدها از مسلمانان کشورهای باختری، مالی و سنگال و دیگر کشورهای عربی و ترکیه نیز به این جمعیت اضافه شدند و این روند تا سال 1980 ادامه داشت. اکثریت این جمعیت را مردان تشکیل می دادند و به همین خاطر، آنها در صدد آوردن خانواده خود به این کشور برآمدند. در دوران رکود اقتصادی سال 1974، دولت فرانسه، همانند سایر کشورهای اروپایی که با بیکاری مزمن مواجه شده بود، درصدد جلوگیری از سیل مهاجرین و بازگرداندن آنها برآمد، ولی به دلیل قوانین دست و پا گیر، عملا این برنامه با شکست مواجه گردید. رشد جمعیت مسلمانان فرانسه به علت مهاجرین غیر قانونی، نرخ بالای زاد و ولد و استثنا قائل شدن برای دادن اجازه اقامت به اعضای خانواده افراد مقیم، همچنان رو به تزاید بوده است. بنابراین، با وجود میلیونها فرانسوی بیکار، نسل دوم مهاجرین جایگاه اقتصادی مطلوبی در لایه بندی طبقاتی جامعه فرانسه ندارد و خود را زائد و اضافی به شمار می آورد.

جمعیت مسلمان فرانسه

فرانسه، به خاطر روابط تاریخی اش با بخشی از جهان عرب، بیشترین جامعه مسلمانان را در اروپای غربی در درون خود جای داده است. اسلام، بعد از کاتولیک، به عنوان دومین مذهب کشور می باشد، به طوری که تعداد مسلمانان بیش از پروتستانها و یهودیان است. تعداد مسلمانان حدود110 جمعیت این کشور را تشکیل داده است، به طوری که آن را از 4 تا 5 میلیون و بعضی تا 8 میلیون برآورده کرده اند که این اختلاف، به دلیل عدم تظاهر بسیاری به اسلام و عدم حضور در مساجد می باشد; چرا که مذهب به عنوان مانعی در راه جذب مسلمانان در جامعه فرانسوی می باشد. تقریبا بیش از نیمی از این جمعیت، دارای حقوق شهروندی هستند. برابر آمار و تحقیقاتی که انجام گرفته است، بیشترین تعداد مسلمانان، در شهرهای پاریس، مارسی و لیون اقامت دارند.

آقای «نیکولابو»، در کتابی تحت عنوان «پاریس پایتخت عربی »، می نویسد: "مراکز عرب نشین پاریس ،مانند خیابان «بارپیس » و خیابان «هوشی » و منطقه «ایل دوفرانس » در بسیاری از این محلات و قهوه خانه های آن، ثروتمندان و پولدارهای لبنانی و یا کارگران الجزایری و مغربی زندگی می کنند، به طوری که دو جانب ساحل رودخانه «سن »، یک محیط عربی به حساب می آید و هاله ای از عربیت بر آن مشاهده می شود. از دیر زمان، به خاطر حضور این توده های عربی، از ملیتهای مغربی، مصری، سوری، عراقی، لبنانی و به ویژه الجزایری، پاریس یک پایگاه عربی در اروپا به حساب می آمده است." (2)

حقوق مسلمانان و دیدگاه دولت فرانسه در مورد آنها

دولت فرانسه درصدد ادغام جمعیت مسلمان آن کشور در جامعه فرانسه است. در درجه اول هدف، فرانسوی بودن و سپس حفظ اعتقاد به اسلام است. مسلمانان، همانند دولت، چندان نظر خوبی نسبت به بنیادگرایان الجزایری ندارند، ولی مخالف طرفداری دولت فرانسه از رژیم نظامی الجزایر می باشند، علی رغم آن در اذهان فرانسویان، اسلام با بنیادگرایی مرتبط است و بنابر یک نظر سنجی، دو سوم فرانسویان، اسلام را با تعصب مذهبی مرتبط می دانند. با این وجود، اکثریت مسلمانان به قانون احترام می گذارند. فرانسویان معتقدند که مسلمانان با سایر مهاجرین مانند لهستانیها، پرتغالیها و یا یهودیانی که بیش از آنها به فرانسه آمده اند، تفاوت دارند. نظر آنها بر این است که اصولا مسلمانان نمی توانند جذب جامعه فرانسه شوند.

این کشور درطی دو قرن گذشته، بیش از هر کشور دیگری در اروپا در جذب خارجیان اهتمام ورزیده است. این سیاست، با سیاست آلمان و انگلستان در تضاد است. سیاست کلی آلمان، بازگرداندن مسلمانان به کشورشان است. سیاست انگلستان نادیده گرفتن آنهاست. به نظر می رسد، در این میان تنها فرانسه مصر به جذب مسلمانان آن کشور در جامعه مسیحی است و همان طوری که گفته شد، هدف فرانسوی بودن در درجه اول سپس حفظ اعتقاد به اسلام است. دولت، تدارک روحانیون مسلمان و رژیم غذایی مطابق شرع اسلام را در ارتش و زندانها رعایت می کند. بخش صنعت و تجارت برای کارمندان مسلمان، تسهیلاتی جهت اجرای احکام شرعی و نماز فراهم می کنند و هر سال، سی هزار نفر مسلمان برای مناسک حج به مکه می روند. «برخی از آنها فرانسه را همچون وطن خود دوست داشته و حتی برای پیروزی فرانسه، جانفشانی کرده اند; چنان که گروه نظامیان عرب در ارتش فرانسه، دارای تشکیلات نسبتا منسجم و شناخته شده ای هستند. برخی نیز اسامی خود را از عربی به فرانسه تغییر داده و مانند ادوارد بیلیه به ریاست یک شبکه تلویزیونی منصوب شده و حتی به عنوان سفیر به دیگر کشورها اعزام شده اند. گفته می شود که سالانه بیش از دویست نفر اسامی عربی خود را تغییر داده و بدین وسیله، به مشاغل مهم و دلخواه خود که ویژه فرانسویان می باشد، دست می یابند.» (3)

اعراب مقیم فرانسه عموما به کارهای بدنی اشتغال داشته، گروه فقرای فرانسه را تشکیل می دهند. در دهه های اخیر که بیکاری در فرانسه زیاد شده، علی رغم آن که اولین قربانیان آن، مسلمانان هستند، ولی حزب دست راستی افراطی ژان ماری لوپن، علت عمده بیکاری فرانسویان را حضور خارجی ها در این کشور می داند و از آن بهره برداری می کند. «قوانین اجتماعی کار در فرانسه، خوشبختانه، مساله مذهب و اعتقاد را جدا از کار دانسته، بنابراین همه کسانی که در فرانسه اقامت دارند، به طور مساوی می توانند در محیطهای مختلف کاری اشتغال داشته باشند. البته در خلال سالهای دهه 1930 میلادی و همزمان با اوج گیری فعالین ناسیونالیست ها و فاشیست ها در آلمان و ایتالیا، در فرانسه نیز گروههای مشابه دست به اقدامات مهمی زدند که باعث شد تا دولت، مساله اساسنامه اقلیتها را به تصویب برساند، ولی بعدها این قانون نیز لغو شد.» (4)

البته برخی از آنها دارای شرکتهای کوچک تجاری و خدماتی می باشند. از نظر فرهنگی نیز برخی سازمانهای فرهنگی وابسته به اعراب در فرانسه فعال اند، حتی در پنج ایستگاه رادیویی در آن کشور به زبان عربی برنامه دارند، تلویزیون عربی نیز در آن کشور وجود دارد. با این وجود، اعراب به تدریج جذب جامعه فرانسه شده، از آن الگو می گیرند; چنان که بسیاری از آنها ترجیح می دهند همسر فرانسوی اختیار کنند. (5)

اعراب فرانسوی همان گونه که نمی توانند به خدمت نظامی گمارده شوند، به نوعی، از امور سیاسی نیز دور نگهداشته شده، فقط به فکر تامین معیشت خود می باشند. آقای محمد بشاری، رئیس مؤسسه مسلمانان فرانسه، معتقد است که عربهای مقیم فرانسه به تدریج فرهنگ فرانسه را جذب کرده، از اصل خود دوری می گزینند. وی این امر را خطر مهمی برای اعراب مقیم فرانسه قلمداد می کند. وی دلایل متعددی را برای بیگانگی فرهنگی ذکر می کند که از آن جمله می توان نیاز مهاجرین به اجازه نامه های لازم جهت کار و زندگی در آن کشور، عدم حضور یک مرجع دینی معتبر و معقول، رواج تفکر آزادی خواهانه که موجب رواج امیال غریزی و فردگرایی می شود را نام برد. (6)

پس از بمب گذاریهای سال 1986 و تظاهرات میدان جمهوری علیه سلمان رشدی، فرانسویها فهمیدند که مسلمانان این کشور، مهاجرین آرام و دلباخته و شیفته جذب در این کشور نمی باشند. شمار انجمنهای اسلامی در فرانسه از 1050 در سال 1991 به بیش از 2000 در سال بعد از آن رسیده است که نشانه فعالیت شدید مهاجرین می باشد.» (7)

دیدگاه کلی دولت فرانسه نسبت به مسلمانان این کشور را می توان در سخنرانی مورخ 23 نوامبر 1997 آقای ژان پی یر شونمان، وزیر کشور فرانسه و مسؤول مذاهب در فرانسه، درک نمود. وی اظهار داشت که مشکلاتی به خاطر وجود یک «مخاطب با مشروعیت » وجود دارد، ولی این مساله سد و مشکل لاینحلی نیست. به هر حال، دولت راه حل و انتخابات خود را در این زمینه تحمیل نخواهد نمود، بلکه پیشنهاداتی را که به او شده، مورد بررسی و تصویب قرار خواهد داد.

ژان پی یر شونمان از ابتکار وزیر اسبق کشور، پی یر ژوکس که کمیته تفکر در مورد اسلام را ایجاد نموده بود، فاصله گرفت. وزیر فعلی کشور از مسلمانان درخواست نموده تا به او کمک نمایند و پایه یک رابطه طبیعی میان اسلام و دولت فرانسه را بگذراند.

وزیر کشور در این راستا اظهار داشت: "در میز جمهوری، جا برای اسلام وجود دارد. این مساله تنها یک حق برای مسلمانان نیست، بلکه شانسی برای آنان و برای فرانسه است تا در خاک آن، یک اسلام مدرن وجود داشته باشد. شایسته مسلمانان نیست که برای نیایش، در محلهای نامناسب و دور از شان اعتقادشان گردهم آیند. جمهوری فرانسه، هنگامی به ارزشهایش وفادار خواهد بود که هر گونه تبعیض را در مورد شهروند مسلمان نفی نماید." در پایان وزیر کشور اظهار داشت که در حال بررسی ایجاد یک نهاد جهت گردآوری بررسیهای تحقیقاتی و استادان جهت شناساندن بهتر اسلام، می باشد. (8)

مساجد و مراکز اسلامی

بر اساس قوانین فرانسه، فعالیت همه ادیان در این کشور آزاد شناخته شده است، ولی هیچ گونه حقوق و یا مستمری و یا کمکی به گروههای مذهبی در نظر گرفته نشده است. بنابراین و بر اساس قوانین، دریافت هر گونه کمک و یا مساعدتی از دولت، خصوصا برای مسلمانان، غیر قابل تصور است. «بر اساس قوانین موجود و آزادیهای قانونی در این کشور، رفته رفته مسلمانها دست به تشکیل سازمانها و مؤسسات مذهبی و غیر مذهبی زده اند، تا جایی که در سال 1976، بیش از 20 مؤسسه مختلف به ثبت رسیده بود.» (9)

در کل فرانسه، حدود 8 مسجد جامع وجود دارد که از آن میان می توان از مساجد بزرگ پاریس، مسجد کوچه پولونسو، مسجدالدعوه، مسجد لیون، مسجد گالینی، بلال، ابوبکر، عمر و نام برد. علاوه بر آن، می توان از حدود صد نمازخانه تقریبا آبرومند و نمازخانه های کوچکی که در مغازه ها، خانه ها، کارگاههایی که در سراسر فرانسه به این امر اختصاص یافته، نام برد. (در مجموع بیش از 1500 محل عبادت مختص مسلمانان وجود دارد که این تعداد در سال 1970، 33 عدد بود).

با وجود این که مسلمانان علاقه زیادی در ساخت مساجد دارند، محدودیت های اداری، مانع بزرگی است و به همین خاطر است که مردم به طرف نمازخانه ها کشیده شده اند.

مسجد بزرگ پاریس

این مسجد جامع در سال 1926 به خاطر حق شناسی از سربازان مسلمانی که در جنگ اول جان خود را فدای جمهوری فرانسه کردند، ساخته شده که در یکی از محلات پر جمعیت و فقیر نشین پاریس واقع شده است. مدیریت مسجد تا سال 1957، به عهده فرانسویها بوده است. در این سال یک نفر الجزایری به نام «حمزه ابوبکر» برای مدیریت این مسجد منصوب شد. وی نیز در سال 1982 بازنشسته شده، رسما اعلام کرد که از این به بعد، دولت الجزایر عهده دار مدیریت مسجد خواهد بود.

در زمینه رهبری مسلمانان فرانسه، بین مسجد پاریس و فدراسیون ملی مسلمانان فرانسه که ارتباطات نزدیکی با اتحادیه اسلامی و عربستان سعودی دارند، همواره رقابتی علنی وجود داشته است. به نظر می رسد مسجد پاریس در این راه امتیازاتی به دست آورده و از پشتیبانی دولت فرانسه نیز برخوردار گردیده است. به گفته ناظران، با توجه به اوضاع و احوال کنونی الجزایر، دولت فرانسه مایل است بتواند روی مسجد پاریس، به عنوان «ویترین تاریخی یک اسلام میانه رو»، حساب کند تا هم بتواند واکنش هایی را که از پیروزی احتمالی جبهه نجات اسلامی در فرانسه برانگیخته خواهد شد، در هم شکندو هم برای بازگشت رهبران کنونی الجزایر که در آن صورت از پاریس درخواست پناهندگی سیاسی خواهند کرد، مذاکره نماید. (10)

مسجد جامع لیون

در سپتامبر 1994، مسجد جامع بزرگ دیگری در لیون که دومین شهر بزرگ فرانسه است، افتتاح شد که هزینه آن از طرف عربستان سعودی تامین شده بود. پیش از افتتاح این مسجد، مشاجراتی میان مسلمانان و غیر مسلمانان و مقامات شهری در گرفته بود و نهایتا قبول کردند که گلدسته مسجد کوتاهتر از نقشه طراحی شده، ساخته شود و از آن برای گفتن اذان استفاده نشود. در مراسم افتتاح، شارل پاسکوآ، وزیر کشور وقت، شرکت داشت که حضور وی بسیار پر معنی بود. وی در سخنان خود گفت: " از این پس لازم است یک اسلام فرانسوی داشته باشیم و مسلمانان این کشور باید هیچ عملی که مغایر باضوابط جمهوری باشد، انجام ندهند." (11)

مسجد الدعوه

در محله بیستم پاریس مسجدی وجود دارد که مسجد الدعوه یا استالینگراد (نام ایستگاه مترو نزدیک آن) خوانده می شود. بسیاری از ساکنان این محله مسلمان هستند. این مسجد از لحاظ وسعت، بزرگترین مسجد فرانسه است، ولی طوری ساخته شده که زیاد چشمگیر نیست. این مسجد یک انباری است که در اوایل 1980 با پول عربستان سعودی خریداری شده است. امام این مسجد «العربی الکشاط » الجزایری است که به لحاظ سیاسی، مخالف رژیم نظامی الجزایر و هوادار جنبش اسلامی است، اما در عین حال، مخالف خشونت انقلابی است. وی اغلب در گفت و گوی بین مسلمانان و مسیحیان مشارکت دارد و مبلغ اسلامی تسامح گری است. درامر حل شدن مسلمانان در جامعه فرانسه، معتقد است که مسلمانان نمی توانند هویت خود را انکار کنند. وی می گوید: خوشبختانه دیانت اسلامی مانع از آن نیست که ما خود را با جامعه تطبیق دهیم. اسلام در فرانسه با اسلام در مصر و یا الجزایر متفاوت است. علاوه بر مساجد که نقش بسیار مهمی در تبلیغات اسلامی دارند، کتاب فروشی ها را نیز نباید از نظر دور داشت. کتاب فروشی های اسلامی با توزیع کتب اسلامی در زمینه های مختلف، بویژه در میان مساجد و مراکز اسلامی و نیز جوانان و مساجد حومه پاریس، وظیفه تبلیغاتی سنگینی را بر عهده گرفته اند. در این میان کتاب فروشی ها، اتحادیه اسلامی Clichg در پاریس، در انتشارات خود ضمن بیان احکام و مسائل مذهبی، از سیاست های روز کشورهای اسلامی نیز مقالاتی به چاپ می رسانند.

شورای مذهبی اسلام در فرانسه

در سال 1990، پیرژوکس، وزیر وقت کشور، تصمیم به تاسیس شورای مطالعات اسلامی در فرانسه گرفت. این اقدام بدون تبلیغات به انجام رسید. هدف از این اقدام، استقرار نظامی است که دو هدف اساسی دارد: اول، سازگاری دیدگاههای مسلمانان و فلسفه جمهوری است. مواردی همچون رعایت رژیم غذایی مسلمانان در بیمارستانها، زندانها و غیره، برگزاری اعیاد مذهبی، تنظیم ذبح شرعی، اختصاص گروستان مسلمانان، از جمله پیشنهادهایی هستند که صورت تحقق به خود خواهند گرفت، اما ایده اصلی این است که به دولت توان کنترل مساجد و سازمانهای وابسته به آنها را از طریق انتصاب امام مساجد و مدیریت اماکن مذهبی بدهد. شورای مذهبی اسلام در فرانسه به عنوان مجمع مرکزی اسلامی در فرانسه همانند یهودیت، به رسمیت شناخته شده است.

این شورا از بدو تاسیس، طیفی از سازمانهای اسلامی، به خصوص فدراسیون با نفوذ ملی مسلمانان فرانسه، (FNMI) را در مقابل خود داشته است. اعضای شورا عمدتا افرادی هستند که سوابق بحث انگیزی دارند. بنابر ترکیب اولیه منصب شورا توسط پیرژوکس، 15 عضو شورا، نه بر اساس اهمیت در جامعه مسلمانان، بلکه بر اساس سرشناس بودن گزینش شده اند و هیچ یک، عالم مذهبی به معنای حقیقی نیستند که از آن میان، یک فرانسوی تازه مسلمان، نمایندگان انجمن متفکرین (bien pensantes) و بویژه تجینی هدام، سرپرست پیشین مسجد پاریس و سفیر اسبق الجزایر در عربستان سعودی می باشند. در ژانویه 1992، تجینی هدام به عنوان یکی از پنج عضو کمیته عالی کشور که قدرت را در الجزایر به دست گرفتند، انتخاب شد. این اقدام، خشم شورا را برانگیخت. شورا یعقوب روتی را که فرانسوی مسلمان شده است، به عنوان جایگزین وی نامزد کرد، اما در نهایت، دلیل بوبکر، پسر سرپرست سابق مسجد پاریس، به این پست انتخاب شد. (12)

سازمانهای اسلامی فرانسه

1- اتحادیه سازمانهای اسلامی فرانسه

اتحادیه سازمانهای اسلامی فرانسه که در سال 1983 تاسیس گردید، یک ائتلاف جمعیتهای محلی اسلامی است. اگر چه مرکز آن در پاریس است، در شرق و مرکز فرانسه نیز فعال است. سی جمعیت محلی به طور کامل حامی اتحادیه سازمانهای اسلامی فرانسه هستند و هر کدام ده درصد سرمایه خود را به سازمان اختصاص می دهند. همچنین در حدود 50 جمعیت وابسته وجود دارد که 5 درصد سرمایه خود را اختصاص می دهند.

هر سازمان حق رای برای شورای اجرایی و هیات رئیسه ائتلاف دارد. هیات رئیسه متشکل از 12 نفر از ملیتهای مختلف می باشد. در سال 1990، اعضای هیات رئیسه مغربی، تونسی، لبنانی، عراقی و فرانسوی بودند. علاوه بر کمکهای جمعیتهای محلی، اتحادیه سازمانهای اسلامی فرانسه کمکهای مالی از جامعه مسلمانان جهان، (Muslim World League) و اشخاص حقیقی از عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی دریافت می دارد.

اگر چه رهبران این سازمان تحت تاثیر ایدئولوژی جنبشهای بنیادگرای مصر و تونس هستند، آنها در هیچ فعالیت سیاسی در فرانسه شرکت نمی کنند. ترجیحا، هدف اصلی اتحادیه سازمانهای اسلامی فرانسه، پیشرفت فرهنگ اسلامی با استفاده از ابزار قانونی و کمک به مسلمانان فرانسه برای انجام اعمال مذهبی اشان است. رهبرانش به دنبال حمایت از جمعیتهای اسلامی محلی جهت انجام فعالیتهای مذهبی و آموزشی هستند. برای مثال، یک کمیسیون آموزشی به جمعیتهای محلی جهت تدریس قرآن و عربی کتاب اهدا می کند. همچنین، آنها روشهای آموزشی را که بویژه مربوط به نیازهای کودکان مسلمان مقیم فرانسه است، توسعه داده اند. آنها می خواهند تا از این کودکان بوسیله رشد آنها در دین اسلام در برابر فریبهای شیوه زندگی غربی حمایت نمایند. برای این هدف، آنها هر سال اردوهای تفریحی برای کودکان تشکیل می دهند که در آنها آموزش قرآن وجود دارد. حدود 600 خانواده به طور معمول در این فعالیت شرکت می کنند. در پایان سال 1991، اتحادیه سازمانهای اسلامی فرانسه با کمکهای دریافتی از عربستان سعودی، نخستین مدرسه مسلمانان را در فرانسه برای آموزش طلاب دایر نمودند. در نخستین سال فعالیت این مدرسه فقط 7 دانش آموز مشغول تحصیل بودند که آنها نیز فرانسوی نبودند.

اتحادیه همچنین از اصل اسلام در فرانسه بوسیله رشد دانش این دین حمایت می نماید. برای مثال، به دنبال کسب اجازه وزارت کشور فرانسه بودند تا زنان مسلمان عکسهای اوراق شناسایی شان را با حجاب بگیرند و از اجازه داشتن حجاب توسط دختران در مدارس کشور حمایت می نمایند. علاوه بر این، کنفرانسی را در خصوص اسلام در پاریس برگزار نمود که حدود 5 هزار شرکت کننده گردهم آمدند و درباره اشکال مختلف اسلام در فرانسه و جهان بحث نمودند.

اتحادیه سازمانهای اسلامی فرانسه، یکی از ائتلافهای جمعیتهای اسلامی در فرانسه است که دال بر اختلافات مسلمانان فرانسه است. اینها همچنین دلالت بر شروع پاسخهای سازمانی به تقاضاهای مسلمانان برای اسلام مقتدر در فرانسه و در عین حال که فعالیتهایشان سازمان می یابد، برای مشارکت مستقیم اجتماعی و سیاسی دارد. (13)

2- التبلیغ و الدعوه

این سازمان که بیشتر به سازمان ایمان و عمل مشهور است، در سال 1927 در هند تاسیس شد و در سال 1972، شعبه ای در فرانسه تاسیس کرد. رهبری این سازمان را محمد همانی تونسی الاصل شصت ساله بر عهده دارد. مسجد عمر واقع در خیابان ژان - پیر تیمبودر پاریس، مقر این سازمان است و هزینه های آن توسط عربستان سعودی و کشورهای خلیج فارس و پاکستان تامین می شود. این سازمان، مبلغ اسلامی ساده و قابل دسترسی کارگران مسلمان است و نقش بارزی در اسلامی کردن جمعیت مسلمانان فرانسه دارد. کارکنان آن همگی افراد داوطلب بوده و سازماندهی سمینارهای قرآنی و زیارت حج را بر عهده دارند. (14)

3- فدراسیون ملی مسلمانان فرانسه

این فدراسیون در سال 1985 تحت نظارت لیگ جهانی اسلام تاسیس شد و مجمع دارای بیش از یکصد اتحادیه و همین تعداد امام است و ریاست آن را مصطفی دوگان، 38 ساله و فرانسوی ترکی الاصل بر عهده دارد. مرکز اروپایی پژوهشی و اطلاعات در خصوص اسلام، (Cerisi) بودجه اش را تامین می کند. فرانسویهای مسلمان شده، همچون یوسف لوکرک که رئیس این فدراسیون از 1989 بود، به این فدراسیون تعلق دارند. (15)

4- فدراسیون انجمنهای اسلامی آفریقا، کومورو آنتیل

ریاست فدراسیون انجمنهای اسلامی آفریقا، کومورو آنتیل را یک معلم فرانسوی سنگالی الاصل به نام آمادو درامه بر عهده دارد. این فدراسیون مبلغ اسلامی آرام و همچون آفریقا متاثر از زهدگرایی است. منطقه فعالیت این فدراسیون، پاریس، تورون و مارسی است. سنگال بخشی از بودجه فدراسیون را تامین می کند و بقیه بودجه، از سوی مسلمانان در 47 مسجد و 13 مدرسه قرآنی وابسته به آن تامین می گردد. (16)

5- انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه

در دهه 1960 به مرور زمان با روندی که در جهت بیداری احساسات اسلامی در میان دانشجویان ایجاد شده بود، در یک سطح ملی، ائتلاف گروههای اسلامی، نظیر انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه، در حال شکل گیری بود. هدف این سازمان، گردآوری دانشجویان مسلمان ملیتهای مختلف در کنار یکدیگر بود; اگر چه بیشتر اعضایش را مغربی های مقیم فرانسه تشکیل می دادند.

6- گروه اسلامی فرانسه

در سال 1979، یک دانشجوی تونسی از جمعیت دانشجویان مسلمان در فرانسه جدا شد و گروه دیگری با نام گروه اسلامی فرانسه را در والنسین (در شمال فرانسه) تاسیس نمود. هدف آن، توسعه سخنرانی های اسلامی به کارگران مهاجری بود که تحت تاثیر جماعت تبلیغی - سازمان فراملی آسیای جنوبی - بودند. این گروه از لحاظ فکری تحت تاثیر جریانات اسلامی معاصر در خاورمیانه، از قبیل اخوان المسلمان مصر، است که بیشتر از جماعت تبلیغی، درگیر مسائل سیاسی می باشد. هدف گروه اسلامی فرانسه همان طور که ژیل کیپل عنوان می دارد، "آموزش مجدد تئوریک و عمل بوسیله سخنرانیها، کنفرانسها و سازمانهای اجتماعی می باشد که چشاندن طعم زندگی اسلامی تحت لوای شریعت است." سازمان مرکزی در سال 1981 به پاریس منتقل شد. گروه اسلامی فرانسه رسما بوسیله کمکهای اعضاء تامین می شود. انتشار و توزیع یک تقویم اسلامی و فعالیتهایی از قبیل برگزاری کنگره های سالانه در خصوص اسلام در فرانسه، کنفرانسها و گردهماییها، یک نمایشگاه کتاب اسلامی و حج از دیگر منابع درآمد گروه می باشد. علاوه بر فعالیتهای کاملا اسلامی، رهبران و اعضاء در بسیاری از فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی شرکت می کنند. برای مثال، ورزشها یک علاقه اصلی گردیده است. همچنین، به منظور ایجاد و تقویت همکاری میان کارگران مسلمان، اعضا تشویق می گردند تا با آنهایی که در بیمارستانها و زندانها هستند، ملاقات نمایند.» (17)

سایر سازمانهای اسلامی فرانسه

- گروههای وابسته به جنبش النهضه تونس

- انجمن دوستی الجزایریهای ساکن فرانسه

- اتحادیه زنان مسلمان فرانسه

- گروههای شیعی نزدیک به ایران

- اتحادیه جوانان مسلمان که در 1987 در شهر ویلربان تشکیل شده است.

از میان این سازمانها، اتحادیه سازمانهای اسلامی فرانسه و فدراسیون ملی مسلمانان فرانسه، عضو شورای مذهبی اسلام در فرانسه می باشند. این سازمان همان طور که اشاره شد، در سال 1990 توسط وزیر کشور وقت، آقای پیرژوکس، با عنوان نماینده و واسطه رسمی مسلمانان در فرانسه تاسیس گردیده است.

تعلیم و تربیت اسلامی

در فرانسه مدارسی تحت عنوان مدارس اسلامی وجود ندارد. هر چند که برابر قوانین مصوب سالهای اولیه قرن بیستم، گروههای مذهبی می توانند اقدام به تاسیس مدارس خصوصی، البته بدون کمک دولت، نمایند، ولی مسلمانان ترجیح می دهند فرزندان خود را به مدارس دولتی بفرستند; چرا که برای آنها هیچ گونه هزینه ای در بر نخواهد داشت. به همین خاطر، فرزندان مسلمان آنها به مدارس غیر مذهبی می روند که در آنها از اسلام خبری نیست و فقط به بررسی تاریخی ادیان اکتفا می کند. علاوه بر آن، در سیستم آموزشی فرانسه، پوششهایی که به طریقی معرف مذهبی خاص باشد، در مدارس دولتی ممنوع است.

در حالی که تعداد محصلان مسلمان، رشد نسبتا معقولی را نشان می دهد، برابر آمار به دست آمده، اکثریت دانش آموزان مسلمان، تنها در هشت منطقه آموزشی، از مجموع بیست و پنج منطقه آموزشی در کشور به تحصیل اشتغال دارند. برابر آمار سال 1980، 40 درصد از دانش آموزان مسلمان، تنها در 20 مدرسه ازمجموعه مدارس پاریس به تحصیل اشتغال دارند. (18)

از اواخر دهه 1980، اکثر مساجد اقدام به تدریس دروس اسلامی برای دانش آموزان مسلمان کرده اند که برای مسلمانان شمال آفریقا، شامل تدریس زبان عربی و آموزش قرآن و فقه است. آموزش زبان عربی، سالها قبل یعنی در دهه 1970، به طور رسمی در مسجد مرکزی پاریس آغاز شد و کنسولگری مراکش نیز از همان سالها، آموزش زبان عربی را به طور رسمی آغاز کرد. (19)

موضوع دیگری که در این بحث می گنجد، مبحث دانشگاه و دانشگاهیان است. این بحث چند سالی است که در محافل دانشگاهی مورد بحث است که آیا می توان رشته ای اسلامی را در دانشگاههای لائیک فرانسه جای داد یا نه. از جمله آنها می توان از طرح ایجاد رشته فقه اسلامی در دانشگاه استراسبورگ که در تاریخ 20 دسامبر 1995 از طرف رئیس دانشگاه استراسبورگ ارائه شد، نام برد. این طرح با مخالفت و موافقت عده ای مواجه گردید. موافقان از جمله آقای اتین تروکمه، رئیس سابق دانشگاه علوم انسانی استراسبورگ که خود از طرف ریاست دانشکده مامور تهیه گزارش در این زمینه گردیده بود، می گویند: "طرح تدریس فقه اسلامی خطر افراطیون و وابستگی مستقیم به یک کشور خارجی را از میان برخواهد داشت و حتی امامان مساجد می توانند از آموزش دانشگاه بهره مند شوند." مخالفان این طرح، از جمله فیلسوف و مذهب شناس مشهور فرانسوی مارک فیلوننکو، استاد دانشکده کاتولیک استراسبورگ، می گویند: "در اثر این طرح، دانشگاه به محل برخورد گرایشهای سیاسی اسلامی تبدیل خواهد شد." و یا آقای ژیل کپل، اسلام شناس مشهور فرانسوی و مدیر تحقیقات در مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه که چند کتاب در مورد مسلمانان فرانسه منتشر ساخته است، در مصاحبه ای با روزنامه لوموند اظهار می دارد: "باید میان تدریس علمی مذهب که مستلزم فاصله گیری نسبت به عقاید جزئی آن است و آموزش مذهب به عنوان یک اعتقاد، تفکیک قائل شد. این کار با روح لائیسیته دانشگاههای فرانسه مغایرت دارد. دانشگاه باید علوم را آموزش دهد، نه اعتقادات را."

در نهایت باید توجه داشت که با وجود این که اسلام با جمعیت کثیری که در کشور فرانسه داشته و به عنوان دومین مذهب رسمی بعد از کاتولیک به حساب می آید، جوانان مسلمان این کشور به شدت از مسائل هویتی رنج می برند و به دنبال پاسخی برای خود می گردند، ولی غالبا این انتخاب، آنها را در برابر اصول بنیادی جامعه فرانسه قرار می دهد و در نتیجه، تنشهای زیادی ایجاد می کند که برای حکومت فرانسه نگران کننده است. بحث «اسلام فرانسوی »، درصدد راه حلی برای این مشکل و جذب و ادغام اقلیت مسلمان در حاکمیت جامعه فرانسه می باشد.

پی نوشتها:

1- جوجن نیلسن، مسلمانان اروپای غربی، ترجمه سید محمد روئین تن، تهران: انتشارات اطلاعات، 1372، ص 20.

2- گزارش واصله از نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در پاریس

3- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، خبر نامه فرهنگی، شماره 14، تاریخ 24/12/76، ص ص 16-15.

4- جورجن نیلسن، منبع پیشین، ص 28

5- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، منبع پیشین، ص 16

6- همان.

7- گزارش واصله از نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در پاریس.

8- گزارش واصله از نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در پاریس.

9- جورجن نیلسن، منبع پیشین، ص 28.

10- گزارش واصله از نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در پاریس.

11- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، اسلام در جهان، شماره 15، تاریخ 28/10/76، ص 29-28.

12- حمید امین الشریعه نجفی رزمی گنجی، ویژه نامه اسلام و اسلام گرایی (مسلمانان در فرانسه)، دفتر تحقیقات اسلامی وزارت امور خارجه، شماره 6، شهریور 1376، ص 21.

13\_ John L. Esposito (Ed), Modern Islamic

Press, 1995, P. P. 272 \_ 273. World, vol. 4, New York: Oxford University

14- حمید امین الشریعه نجفی رزمی گنجی، منبع پیشین، ص 22.

15- همان.

16- همان.

17\_ John L. E

18- جورجن نیلسن، منبع پیشین، ص 35.

19- همان، ص 36.